

خانم گل

درباره هندبالیست نوجوان که آرزوهایش را گل می کند



فاطمه کریمی

نوجوانه

ایران پرافتخار، مفتی است که بارها و بارها برای کشور عزیزمان شنیده ایم و گوش مان به نوای دلنشینی عادت کرده است. دخترها و پسرها، ورزشکاران و دانشمندان و افراد زیادی از سراسر

ایران تلاش می کنند این واژه، صفت و ویژگی برقرار بماند و افول نکند. نویسنده با قلمش، معلم با علمش و مهندس با فنش و ورزشکار هم با ورزش و مدال هایش، پای کار آرزوهایش می ماند. نوجوانانی که با تمام توان برای آینده خودشان و سرزمین شان، از گوشه و کنار ایران پهناور تلاش می کنند، ارزشمندند و شایسته احترام. در این صفحه استانی، سری زدیم به پریسا عنبرستانی از خراسان رضوی و شهرستان سبزوار تا برپیمان از خودش و حرفه اش بگوید. از هندبال و آرزوهای که در سرش دارد. پایه پای ما باشید.

« استعداد شناسی

پریسا را شمانمی شناسید، من هم نمی شناختمش تا این که دنبال یک هندبالیست موفق نوجوان می گشتم و با کمی پرس و جو، به پریسا عنبرستانی رسیدم. متولد سال ۸۱ است و این روزها علاوه بر ورزش، در رشته تربیت بدنی هم تحصیل می کند. ما با یک دختر پرافتخار طرف هستیم. کسی که با یک نگاه متوجه تلاش های زیادش در هندبال می شویم. داستان او از هشت سالگی اش شروع می شود، دم دم های سال ۱۳۸۹ و با تشویق معلمش! پریسا به نقش معلم در استعدادیابی دانش آموز خیلی تاکید می کند و می گوید کلاس دوم بوده که علاقه اش به این رشته ورزشی توسط معلمش کشف می شود و کم کم به سمت هندبال می رود. او خیلی اصرار دارد که از معلمش از این تریبون تشکر کنیم؛ پس می گویم: خانم معلم مچکریم! همه چیز از یک تست توسط او شروع می شود و بعد هم تریق امیدواری و کم کم رفتن به سمت کلاس و مسابقات! تشویق همانا و رسیدن به قهرمانی همان!

« مسیر پیشرفت

بعضی جاده ها در نقاط مختلف کشورمان پیچ و خمش زیاد است، یعنی طی کردن مسیر و از آن راه به مقصد رسیدن، چرخ یا کفش آهنین می خواهد! حالا خوب است بدانید که جاده موفقیت هم همین شکلی است. پر از پیچ و خم و چاله چوله، پر از پستی و بلندی و خطرات به مقصد نرسیدن! طبیعتا اینها هم برای پریسا وجود داشته است اما تمام سختی هایش را به جان خریده است. پریسا قبل از سال ۹۶ در مسابقات زیادی شرکت می کرده و کم کم وارد اردوی تیم ملی نوجوانان می شود و بعد هم لیگ دسته دو. از آنجا که پله های ترقی پریسا، پله برقی بودند، او با کسب قهرمانی وارد لیگ دسته یک می شود و می رسد به امسال که در تیم تربت حیدریه مقام اول کشور را به صورت گروهی کسب می کنند و پریسای ما می شود خانم گل! دور از شوخی و فارغ از گل های درجه یک، خیلی دختر گلی به نظر می رسد! امیدواریم ستاره های خوشبختی آسمانش هم مثل گل هایش زیاد باشد!

« با من بمان

من نمی دانم اما پریسا عنبرستانی که پیچ و خم هندبال را بلد است و درباره این رشته حرف هایی برای گفتن دارد؛ هندبال را ورزشی خشن می داند که ممکن است خیلی ها وسط راه، از آن خسته شوند و رفیق نیمه راه شدن را ترجیح دهند! پریسا به آنها پیشنهاد می دهد کمی صبوری کنند تا به قسمت های جذاب تر ماجرا برسند و ماندگار شوند. راز ماندگاری این مسیر هم چیزی جز تلاش برای پیشرفت نیست! همان فرمول همیشگی و کلیشه ای و همیشه زردی که از زبان همه آدم ها می شود شنید. پریسا درباره اختلاف بین درس و مدرسه هم برای مان چیزهایی می گوید. او منکر تاثیر هندبال روی درس و مشقش نمی شود و به صراحت می گوید که ورزشش را بیشتر دوست داشته و وقت بیشتری هم برای آن می گذاشته و همچنان می گذارد. او موتور محرک انگیزه اش را، همین علاقه اش می داند که روز به روز برایش پررنگ تر می شود.

« حرف آخر

ما انتخاب هایمان هستیم. در این گزاره هم هیچ شکی نیست. دقیقا غذایی هستیم که برای خوردن انتخاب می کنیم؛ همان کتابی هستیم که می خوانیم؛ همان رشته ای هستیم که برایش درس می خوانیم و شبیه همان آدمی هستیم که دوستش داریم!

پریسا هم همین طور، او به اندازه آرزوهایش برای این رشته اش جذاب است و خواستنی و قابل احترام. او که دوست دارد تمام آموخته هایش را که تا الان یاد گرفته؛ به بقیه نوجوانان و ورزشکاران اطرافش انتقال بدهد و علاوه بر خودش، بقیه را هم بالا ببرد و تا قله ها و از قله ها برای ایران افتخار آفرینی کنند! پریسا آن قدر هندبال را دوست دارد که حتی به چیزی غیر از آن فکر نکرده و برنامه خاصی برای سرک کشیدن به رشته دیگری ندارد اما از آنجا که گنگ هندبالیست ها خیلی بالاست و ورزش شان خیلی خفن و عضله ساز است، در هر ورزش دیگری می توانند نقش آفرینی کنند و هیچ باکی هم ندارند. پریسا که از هشت سالگی با این رشته عجین شده، آن را خیلی دوست دارد و برای موفق تر شدن خودش روز به روز تلاش می کند. ما هم برایش دعا می کنیم؛ دعا های خوب و عاقبت به خیری و مطمئنیم همان طور که نام ایران و ایرانی را بالا می برد؛ دعای ایران دوستان را هم با خودش به همراه دارد.

« روح درمانی

سلامتی در زندگی حرف اول را می زند، این را شاید حالا که نوجوانید و اول راه، درک نکنید. شاید وقتی دارید روغن های چرب و پنیر پیتزاهای کش دار را می بلعید و قورت قورت نوشابه های رنگارنگ را سر می کشید، اصلا به موضوع سلامتی فکر هم نکنید! اما یادمان نرود که تا وقتی حال جسم مان خوب نباشد، روح مان هم درمان نمی شود و بی حال و حوصله، یک جایی بین میل ها و تخت اتاق مان می افتیم و کسی هم نیست بلندمان کند. این روزها حرفم را پریسا خوب می فهمد؛ چون دستش آسیب دیده و طبیعتا دست او، ابزار کار اوست! هندبالیست ها که کم الکی نیستند! آن قدر باید از دست خود کار بکشند تا مثل الان پریسا عنبرستانی، از کار بیفتند. در حال حاضر تنها آرزوی او، سلامتی دستش است و دارد خوب از آن مراقبت می کند و برای بعد از رسیدن به سلامتی کامل هم برنامه هایی دارد. او دوست دارد بعد از بهبودی کامل، مربی گری را شروع کند و این مهارتی را که بلد است؛ به بقیه هم آموزش بدهد. خوب شدن او به نفع همه ماست، پس همگی دست به دعا شویم و برای سلامتی دست پریسا دعا کنیم!

« پرش از مانع

شاید فکر کنید وجود مانع در فعالیت های ورزشی، فقط و فقط در رشته دوومیدانی پیدا می شود! اما باید بگویم که خیر. موانع زیادی در اکثر اوقات و در اغلب موقعیت ها برای ما پیش می آید که صد برابر از موانع ورزشی بلندتر و عبور از آن سخت تر است! دغدغه ای که این روزها فکر پریسا را به خود مشغول کرده است؛ همکاری مسئولان است. مسئولانی که قول دادند پای کار جوان ها بمانند اما بعضی هاشان رفیق نیمه راه شدند. پریسا برای ما از سخت گیری ها می گوید و از تبعیض ها. او خیلی امیدوار است که روزی وضعیت بهتری از سمت مدیران و مسئولان ایجاد شود. ولی همه اینها به آن اشک شوق پس از قهرمانی می آرزد؛ به آن همه بالا و پایین پریدن ها و از موانع و مشکلات پریدن و با عشق به لحظه پیروزی فکر کردن. پریسا همه سختی های این مسیر را به جان خریده و می دود، به سمت آرزوها، امیدها و رویاهایش. امیدواریم در این مسیر پرفراز و نشیبی که پیش روی اوست، خدا همیشه بار و یاورش باشد.

